



چه شد که کودکان از یار مهربان فراری شدند؟

گذشت آن زمان‌هایی که کودکان و نوجوانان با کتاب آشتی بودند و هنوز گوشه‌های هوشمند دنیای کودکانه آن‌ها را تسخیر نکرده بود و قصه‌های مادر بزرگ و مادرها شیرین‌ترین نوا برای به خواب رفتن کودکان بود، اما چه شد که کودکان از یار مهربان فراری شدند؟

ایسنا/آذربایجان شرقی: گذشت آن زمان‌هایی که کودکان و نوجوانان با کتاب آشتی بودند و هنوز گوشه‌های هوشمند دنیای کودکانه آن‌ها را تسخیر نکرده بود و قصه‌های مادر بزرگ و مادرها شیرین‌ترین نوا برای به خواب رفتن کودکان بود، اما چه شد که کودکان از یار مهربان فراری شدند؟

کتابخانه مدرسه، اتوبوس کانون پرورشی و فکری کودک و نوجوان، پیک نوروزی و مجله‌های رشد همگی اشتیاق کودکان و نوجوانان را برای خواندن کتاب بیشتر می‌کردند، زنگ انشاء در مدارس هم هنوز جایش را به ساعات حل مسایل ریاضی و بیکاری نداده بود و نوشتن انشاء راهی برای کشف دانش آموزان مستعدی بود که می‌توانستیم نامشان را در آینده نزدیک بر روی جلد کتاب‌ها ببینیم.

گرفتاری خانواده‌ها، گرانی کتاب، گرفتاری سیستم آموزشی با ادبیات آموزشی و فاصله گرفتن از ادبیات کودک و نوجوان و خداحافظی قصه‌گویی همگی باعث شدند تا قصه‌خوانی و یار مهربان تقریباً برای همیشه از متن زندگی بچه‌ها حذف شود.

ایسنا در گزارش زیر پای درد دل دو نویسنده فعال در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نشسته است:

دهه‌های 60 و 70 دوران شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان بودند

عبدالمجید نجفی، بیش از 35 سال است که با جان و دل برای کودکان و نوجوانان می‌نویسد، او معتقد است که دهه 60 و کمی بیشتر از اواسط دهه هفتاد دوران بسیار خوب و دوران شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان بود و تیراژ کتاب‌ها در این حوزه پنج الی 10 هزار جلد بود. وی در این خصوص به ایسنا می‌گوید: اکنون این مقدار به 3000 جلد در حوزه کودک و نوجوان و به ترتیب به 1000 جلد، 500 جلد و 300 جلد در حوزه بزرگسالان رسیده است.

او می‌افزاید: تیراژ 300 تایی برای جامعه 82 میلیون نفری بیشتر کمی و آماری به نظر می‌رسد، اگر یک جلد از یک کتاب در هر یک از 2500 کتابخانه عمومی کشور، وجود داشته باشد، 2500 جلد کتاب لازم است، تیراژ 300 فقط به درد این می‌خورد که نویسنده تازه کار دلش را خوش کند که کتابش به چاپ رسیده است و دوستان هم آمار ارائه کنند، تیراژ 300 تایی تأثیرات عمیق فرهنگی نخواهد داشت.

به اعتقاد او، هر نویسنده‌ای که فکر می‌کند کتابش قابل چاپ است، می‌تواند آن را به چاپ برساند، اما بهتر است تمهیداتی برای قبل از چاپ اندیشیده شود. او با ارائه توصیه‌هایی به نویسندگان تازه کار می‌گوید: بسیاری از ناشران با مولف شریک می‌شوند و یا از مولف می‌خواهند که کل هزینه را خودش سرمایه‌گذاری کند، مولفان هم تصور می‌کنند که با چاپ کتابشان چه اتفاق بزرگی روی خواهد داد و پس از چاپ هم تعدادی از کتاب‌ها را به دوستانش هدیه داده و مابقی را در کارتن گذاشته و نگه می‌دارد، چنین کاری به ضرر نویسنده بوده و نشان از ناهماهنگی طبع و نشر است.

نجفی می‌افزاید: چاپ کتاب به صورت پیش‌چاپ و بررسی اثر توسط کارشناسان نیز از دیگر راهکارها بوده و در صورت مثبت بودن بازخوردها، حتماً ناشرانی هم پیدا می‌شوند که برای چاپ آن کتاب هزینه کنند. اصرار برای چاپ اثری که پر از اشتباهات فنی، دستوری و ساختاری است، کارنامه کاری نویسنده را برای همیشه خراب می‌کند. برخی ناشران مانند فیلم‌های کارگردانان معروف به عنوان برند کتاب شناخته شده هستند، مثلاً نشر کیمیا (هرمس)، علمی فرهنگی، پیدایش، کانون، قدیانی و افق که کار ضعیف چاپ نمی‌کنند و می‌توان بیش از 90 درصد به کارشان اعتماد کرد.

کتاب‌های درسی و جزوات کمک آموزشی ویران‌کننده امر آموزش

وی در ادامه با بیان اینکه کتاب‌های درسی و جزوات کمک آموزشی ویران‌کننده امر آموزش هستند، می‌گوید: از طرفی هم فقط برخی از خانواده‌ها به دنبال کتب مناسب کودک و نوجوان می‌روند، باقی خانواده‌ها و مسئولان امر گرفتارتر از

این حرف‌ها هستند. اگر ادویه را بیش از حد مورد انتظار به غذا اضافه کنیم، نتیجه روشن است، تجویز بیش از حد کتب کمک آموزشی هم امروزه همین کار را با خلاقیت دانش آموزان می‌کند، در گذشته بسیاری از دبیران کتب کمک آموزشی را یا نمی‌پسندیدند و یا یکی دو مورد را بسیار با احتیاط تجویز می‌کردند، اما این حاشیه‌بدها به متن تبدیل شده و جزوات کمک آموزشی به اصل تبدیل شدند.

به اعتقاد این نویسنده کتاب کودک و نوجوان، گردش مالی سالانه و بنگاه‌های سودجو هم در این میان بی‌تاثیر نیستند، او می‌افزاید: هر چند یکی از وزرا هم چندین سال قبل قول‌هایی در رابطه با جمع‌آوری کتب کمک آموزشی داد، اما معلوم بود که به دلیل همین گردش مالی زیاد، چندان امکان‌پذیر نیست. هوش هیجانی و هوش خلاق برای رشد و پرورش کودک و نوجوان لازم است و تنها با هوش ابزاری و یادگیری برای پاسخ‌دهی به سوالات چهارگزینه‌ای نمی‌توان به این جنبه از رشد دست پیدا کرد، جزوات آموزشی از ابتدا تا قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه هم با ما هستند و این تازه اول بیکاری است.

وی می‌گوید: حال باید دید که خانواده‌هایی که با هر وضعیت معیشتی کتب و جزوات کمک آموزشی فرزندانشان را تهیه می‌کنند، تا چه حد به دنبال ادبیات خلاق و کتاب کودک و نوجوان و گنجاندن آن در سبب فرهنگی‌شان می‌روند، ادبیات خلاق فقط مربوط به شعر و داستان نبوده و در زندگی و شغل آینده کودک هم نمود پیدا می‌کند. ذهنی که خلاق نباشد، با مطالب آماده و کنسروی اشباع شده و ذهن او به منزله قفسه‌ای است که مطالب در آن چیده شده است.

هزینه کردن در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، هدر رفت سرمایه نیست

او تأکید می‌کند: هزینه کردن در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، هدر رفت سرمایه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری است که منجر به رشد و پرورش انسان‌های خلاق، متعهد و کاربلدی می‌شود که همه چیز را در کسب درآمد نمی‌بینند، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی برای زیست اخلاقی انسان‌ها لازم است. با توجه به اینکه حدود یک سوم جمعیت کشور ما را جمعیت در حال تحصیل تشکیل می‌دهند، کانون پرورش فکری به تنهایی نمی‌تواند تمامی جمعیت کودک و نوجوان کشور را تحت پوشش قرار دهد و اساس، آموزش و پرورش است و متد و نگاه آموزشی باید عوض شود.

این نویسنده کتاب کودک و نوجوان با بیان اینکه دیوار بی‌اعتمادی بین ادبیات آموزشی و ادبیات خلاق کی قرار است، فرو بریزد؟، اظهار می‌کند: چنین روندی نه تنها وقت دانش‌آموز را تلف می‌کند، بلکه به درست یاد گرفتن و انتخاب راه درست و رشته تحصیلی صحیح و جلوگیری از هدر رفت هزینه‌ها هم کمک می‌کند، برای ارتقاء در حوزه‌های تربیتی و پرورشی باید نگرش‌ها به این حوزه تغییر پیدا کند.

او، متذکر می‌شود: توجه به رشد و تربیت خلاق کودک و نوجوان هم از طرف خانواده‌ها و هم از طرف مسئولان، مدارس و وسایل ارتباط جمعی کودک را متوجه می‌کند که هر چیزی جای خودش را دارد و کتاب و ادبیات مکتوب هم در کنار فضای مجازی پذیرفته می‌شود. گوشی هوشمند هم می‌تواند به روند تکمیلی رشد تعلیم و تربیت کمک‌کننده باشد، اما چسبیدن صرف به بازی‌های کامپیوتری و جایگزین کردن گوشی با مطالعه و بازی‌ها به ذهن، جسم و روان کودک و نوجوان آسیب می‌زند.

او خاطرنشان می‌کند: قانون کپی‌رایت در کشور ما رعایت نمی‌شود، این قانون می‌گوید که به هنگام ترجمه یک کتاب باید از نویسنده، مولف و ناشر آن کتاب کسب اجازه گرفت، هر چند بعضی از ناشران ما این قانون را به صورت داوطلبانه رعایت می‌کنند، به دلیل عدم رعایت قانون کپی‌رایت، جریان ترجمه غالب شده و کتاب را هم اغلب به مترجم حرفه‌ای و کارکشته نمی‌دهند و بیشتر از دانشجویان رشته مترجمی استفاده کرده و کتاب را به دلیل عدم پرداخت حق کپی‌رایت و آماده بودن تصاویر کتاب، با قیمت نازل به چاپ می‌رسانند.

نشر کتاب با کتاب‌سازی تفاوت دارد

نجفی با تأکید بر اینکه نشر کتاب با کتاب‌سازی تفاوت دارد، اظهار می‌کند: در سال‌های گذشته تالیف رمان کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودک و نوجوان مورد توجه قرار گرفت، اما مانند بسیاری از کارهای خوب و مفید دیگر ناتمام ماند که این نیز به هوشمندی و دقت نظر خانواده‌ها و رسانه‌های مکتوب و دیداری و شنیداری بازمی‌گردد، باید از امر تالیف حمایت جدی شود، البته که تالیف بی‌حد و حساب کتاب‌های خارجی به کودکان و نوجوانان و فرهنگ کشور و فرهنگ کتاب‌خوانی لطمه می‌زند.

وی می افزاید: تعدادی از ناشران در سال های گذشته به ادبیات فانتزی توجه کرده اند و محدودیت هایی در فرهنگ نشر ما وجود دارد که خود نویسنده ها هم تمایل زیادی برای رفتن به سمت ادبیات فانتزی ندارند. رمان هری پاتر به زبان انگلیسی، یعنی زبان سیستماتیک، اقتصادی و بین المللی تالیف شده است، از این رو رمانی که به زبان مسلط بر دنیا نوشته شده، به 36 زبان دیگر ترجمه شده و فیلم هایی از آن ساخته می شود، حال اینکه شاید رمانی همسنگ همان داستان به زبانی که زبان مسلط دنیا نیست، نوشته شده باشد، اما به آن اندازه دیده نشود.

زنگ انشا و زنگ قصه گوئی در مدارس راهی برای تشویق دانش آموزان به کتاب خوانی

او در ادامه با بیان اینکه قصه گوئی قدمتی کهن و دیرینه دارد، می گوید: پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها قصه گویای بسیار قهاری بودند که متاسفانه الان جایگزینی برای آن نداریم، معتقد هستیم که ایرادی ندارد که هفته ای دو ساعت کلاس قصه گوئی و قصه خوانی داشته باشیم که باید به صورت قانونی به سطح کشور ابلاغ شود. ساعت انشا هم از مدارس حذف شد و زنگ انشا برابر با زنگ بیکاری است، زنگ انشاء، زنگ تفکر و خلاقیت بود و آموزگاران باید این موارد را مورد توجه قرارداده و آموزش ببینند، تا مصوب شدن چنین قانونی می توان از نویسنده ها استفاده کرد.

نجفی در خاتمه خاطرنشان می کند: قصه گوئی، خلاقیت بچه ها را افزایش می دهد، اما بچه ها را دیوانه کرده ایم و مانند ضبط صوتی که باید همه چیز را عینا ضبط کنند، با آن ها رفتار می کنیم و معلومات را در انبار ذهن آن ها می چپانیم، اگر قصه گوئی به خوبی انجام شود، حتما در علاقه مند شدن کودکان و نوجوانان به کتاب و کتابخوانی تاثیر خواهد داشت.

در ادامه این گزارش، پروین پناهی ینگ قشلاق، نویسنده و مدرس داستان نویسی نیز که تجربه زیادی در حوزه ادبیات کودک دارد، به ایسنا می گوید: ادبیات کودک یکی از مهم ترین و تاثیرگذارترین عامل در تربیت و غنی سازی ذهن کودکان است. با توجه به اینکه کودکان تمایلی به آموزش مستقیم ندارند، ادبیات می تواند تاثیر بسزایی در تربیت کودکان داشته باشد. بعد لذت بخشی و سرگرمی داستان ها و اشعار کودکان مهم تر از جنبه آموزشی بوده که در شادابی و غنی سازی روحی کودکان هم نقش موثری دارد.

او با بیان اینکه همزاد پنداری کودکان با شخصیت های داستانی باعث می شود کودکان بدون پرداخت هیچگونه هزینه روحی و جسمی، ماجراهای روایت شده را زندگی کرده و حوادث مختلفی را تجربه کنند، می افزاید: این اتفاق در پختگی و آگاهی کودکان در زندگی آینده نقش بسیار ارزشمندی دارد. کودکانی که اهل کتاب هستند، هم از نظر آگاهی و هم از نظر برقراری روابط اجتماعی با سایر کودکان تفاوت چشمگیری دارند. ادبیات واقعی کودک هم لذت بخش و هم بصورت کاملا غیر ملموس آموزنده است.

ضرورت اختصاص بودجه برای پر کردن قفسه های خالی کتاب

او، فرهنگ سازی را از راه های تشویق کودکان به خواندن کتاب عنوان کرده و می گوید: نهادهای مربوطه باید دست در دست هم بدهند و از حق خودشان دفاع کنند. تولید برنامه های فرهنگی در زمینه کتابخوانی باید هم از طریق رسانه ها و هم از طریق مدارس و مراکز فرهنگی انجام شود. وزارت ارشاد، آموزش و پرورش، ادارات و حتی بیمارستان ها هم باید در برنامه های کلان اقتصادی، بودجه ای برای کمدهای خالی از کتاب خود اختصاص دهند، برای پر کردن سبد کتاب خانواده ها به ویژه کودکان باید از خود آن ها شروع کرد.

پناهی ینگ قشلاق می افزاید: وقتی کودک را به کتاب علاقمند کنی، در داخل خانه هم دنبال کتاب خواهد بود و چه بسا بخشی از پول توجیبی اش را هم به کتاب اختصاص دهد. برای کتابخوان کردن کودکان، باید کل سیستم فرهنگی را تغییر داد در غیر این صورت با نظارت بر تک تک خانه ها یا تبلیغ، کتابخوانی اتفاق نمی افتد.

ادبیات کودک را نباید قربانی نظرات شخصی و غیر کارشناسانه کرد

به اعتقاد این مدرس داستان نویسی، کالاهای فرهنگی بی محتوا مانند گیم های خشن و داستان های بد آموز از مهم ترین آفت هایی هستند که ادبیات کودک را تهدید می کند، او در این خصوص می گوید: سانسور، کشنده ترین آفت ادبیات، به ویژه ادبیات کودک است. وقتی برحسب ذائقه مخاطب، محتوا تولید نکنیم، دیگر مخاطبی نخواهیم داشت و ادبیات کودک در ورطه نابودی قرار خواهد گرفت. ادبیات کودک ما در لبه قرار دارد و همه باید بسیج شویم تا محتوایی

مدرن سازگار بافرهنگ خودمان تولید کنیم. ادبیات کودک را نباید قربانی نظرات شخصی و غیر کارشناسانه کرد.

او در خصوص جای خالی ادبیات کودک و نوجوان، اظهار می کند: از آنجایی که نشریه ها نسبت به کتاب ها هزینه کمتری داشته و دارای تنوع مطالب بیشتری هستند، هم به لحاظ مادی و هم از جنبه جذابیت بسیار مرقوم به صرفه بوده و می توانند وسیله خوبی برای جذب کودکان به کتابخوانی باشند. کم شدن تولید نشریه های کودک، آسیب بزرگی به ادبیات کودک ما می زند.

او با اشاره به ویژگی کتاب خوب، بیان می کند: کتاب خوب کودک باید از نظر محتوا، قابل قبول باشد، البته منظور از محتوا، پیچیده بودن نیست. به عقیده من یک کتاب خوب کودک، الزاما آموزشی نیست، چرا که اولین هدف از داستان، لذت بخشی و سرگرمی کودکان بوده و شاد بودن و لذت بردن جزو حقوق اولیه کودکان به شمار می آید و ما حق نداریم کودکان را وارد دنیای پیچیده و پر از مشکلات خود کنیم. تشخیص ذائقه کودکان برحسب سن آن ها در تولید کتاب مناسب، نقش بسیار مهمی در تولید کتاب خوب دارد.

پناهی ینگ قشلاق در خاتمه با تاکید بر نقش قصه گویی در تشویق کودکان به خواندن کتاب، خاطرنشان می کند: قصه گویی اگر حرفه ای انجام شود، حس کنجکاوی کودکان را برمی انگیزاند و همزاد پنداری را در آن ها بیشتر تحریک کرده و کودک را برای لمس کتاب وادار می کند؛ بنابراین کودک از روی طرح های کتاب با شخصیت های قصه از نزدیک آشنا می شود. در واقع قصه گویی چراغ سبزی است که کودکان را به سمت کتاب هدایت می کند.